

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۰۱ اپریل ۲۰۲۰

سیستم حاکم بر جهان، در خدمت به بشریت نیست

شریان‌های اقتصادی - سیاسی جهان سرمایه‌داری بعد از "هجوم" ویروس کرونا یکی پس از دیگری از حرکت باز ایستاده است. جدا از حدس و گمان‌ها مبنی بر انتقال ویروس از سر طبیعت و ناتوانی جسمی افراد در مبارزه با آن، و یا نقش و لابلای قدرت‌مداران بین‌المللی در اشاعه میکروب‌ها، یک چیز معین شده است که نظام بهداشت و سلامت حاکم بر جهان، در خدمت به بشریت و در خدمت به پاسخ‌گویی معضلات متعدد مردم نیست؛ همچنین معین شده است که "پیشتران" جهان "ممتدن"، تا چه اندازه به "فکر" مردم و به‌دنباله تا چه اندازه در پی اعمال قدرت - در حوزه‌های متفاوتی همچون جنگ بیولوژیک -، و نیز تحمیل سیطره خودی به جناح‌های رقیب‌اند.

به تصاویر و به جوامع بی‌حرکت و سوت و کور شهرهای جهان زیر سیطره سرمایه‌داران نگاهی بیندازیم، تا بهتر دریابیم که چگونه مولدان وضعیت کنونی، در پی چیدمان نقشه هولناکتری برای میلیون‌ها انسان دردمند و فاقد کمترین امکانات اولیه زندگی و شغلی‌اند. بانیان اوضاع کنونی ریاکارانه قیافه انسان‌دوستی و کمک به صدمه‌دیدگان را به‌خود می‌گیرند و در همان حال، هزاران نفر از محرومان و ستم‌دیدگان در اثر ویروس کرونای قابل کنترل جان‌شان را از دست می‌دهند. همه دولت‌مردان حاکم دودوزه‌باز و کلاش‌اند. از امریکا - و دولت ترمپ - گرفته که "بودجه مرکز کنترل بیماری را قطع، و گروه تحقیق بیماری‌های واگیردار در شورای امنیت را منحل کرده است"، تا اعضای کشورهای - "پراقتدار" - اتحادیه اروپا که هر یک، در خانه‌های خود را به‌روی همسایگان‌شان بسته‌اند، تا به زعم خویش از جان "خانواده"‌های‌شان محافظت کنند، گویای این حقیقت است که هیچ‌یک از جناح‌های رقیب امپریالیستی و حاکمان جهان، انگیزه و مقصودشان مقابله با ویروس‌هائی همچون ویروس کرونا و نیز حفظ و حراست از جان مردم نیست. البته و شکی نیست که می‌بایست حساب رژیم ایران را در مقیاسی دیگر و فراتر، مورد بازنگری قرار داد؛ رژیمی که به مدت چهل سال به مراتب وحشیانه‌تر از ویروس کرونا، به جان مردم افتاده و در ابعادی دهشتناک‌تر، فضای رعب و وحشت را در سرتاسر جامعه حاکم گردانده است؛ رژیمی که ثروت‌های جامعه را بلعید و زندگی مردم را به ویرانه تبدیل ساخته است؛ هزاران نفر را از دم تیغ گذراند، به مطالبات پایینی و سیاسی - اجتماعی کارگران، زحمت‌کشان، جوانان و زنان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی تعرض کرد تا از منافع طبقه سرمایه‌داری وابسته حفظ و حراست کند. خلاصه نظام‌های سرمایه‌داری جان مردم را به لب‌شائر رسانده‌اند؛ نظام‌های هار و سودجویی که در دوران بحران نظام پزشکی، به‌جای ارتباط گسترده و همکاری‌های لازمه، پیرامون مقابله با ویروس‌هائی همچون کرونا،

خود را ایزوله، بودجه‌های درمان پیش‌گیرنده و نیز رابطه "انسان‌دوستانه" شان را قطع کرده‌اند، تا بر انبوه گشته‌ها افزوده گردد.

در هر صورت بشریت را یکبار دیگر در مرحله آمیزش مرگباری قرار داده‌اند تا مقاصد آبی و آبی خویش را پی گیرند. چهره جهان را تغییر و به جهان بی‌جان و ناامن تبدیل کرده‌اند و در این‌میان ناجیان واقعی، یعنی پرستاران، پزشکان و دیگر نهادها و ارگان‌های وابسته به خدمات بهداشتی، در خط مقدم جبهه و آن‌هم با فقدان امکانات و وسائل اولیه‌ی همچون ماسک، دستکش، الکحل و دیگر مرض‌های سرمایه‌داری، در جدال مرگ و زندگی‌اند. متأسفانه آمار و ارقام پیرامون مرگومیر با شتاب هر چه بیشتری در پیش است و در مقابل سازماندهندگان جنایت و چپاول هم، وقیحانه و از طرق بلندگوهای تبلیغاتی‌شان، از عدم همکاری مردم و نیز از عدم مسئولیت‌پذیری‌شان حرف به میان می‌آورند! کمبود دوا و درمان، دکتر و پرستار، وسائل اولیه بهداشتی و ایمنی، تخت و غیره بر فضای نظام پزشکی جهان سیطره انداخته است و این‌روزها بیمارستان‌ها، به دلیل سستی‌ها و بی‌کفایتی دولت‌های سرمایه‌داری، لبریز از صدمه‌دیدگان و ویروس کرونا شده و ثانیه به ثانیه، جان‌دها تن دیگر را می‌گیرد، آن‌وقت بانیان و مسببان آن از فقدان مسئولیت‌پذیری مردم داستان سرائی می‌کنند!!

عجب دنیائی را به بشریت تحمیل کرده‌اند که در آن تولید سلاح و گلوله، توپ و تانک و دیگر ادوات نظامی و سرکوب‌کننده، به‌مراتب بیش از تولید وسائل پزشکی و پیش‌گیرنده‌ای همچون ماسک، دستکش و غیره است؛ عجب دنیائی را به جهان تکلیف کرده‌اند که روزانه هزاران نفر در کشورهای به‌اصطلاح متمدن و پیشرفته، جان خود را در اثر کمبود کادر پزشکی، وسائل اولیه درمانی و حفاظتی از دست می‌دهند. و ...

درواقع پرسش این است که دلیل چنین وضعیت ناگواری به گردن چه کسانی است؟ چرا سرمایه‌داری قادر به جلوگیری از مرگومیر بیش از این، و یا کنترل ویروس جانکاه نیست؟ چه عواملی باعث چنین وضعیت ناهنجار در جهان شده است، و بالاخره کدام سیستم و نظام، توان پاسخ‌گویی و مقابله با درد و رنج‌های حاصل از طبیعت و زیست‌محیطی را داراست؟

قبل از هر چیز و تاحدودی، دلیل پخش و گسترش ویروس در جامعه، و در ادامه ناتوانی و عدم عکس‌العمل به‌موقع و صحیح قدرت‌مداران بین‌المللی گفته و نوشته شده است؛ تا حدودی نوشته شده است که وضعیت حال جهان، حاصل جنگ‌وجدل‌های سرمایه‌داران پیرامون جنگ‌های میکروبی، اقتصادی و سیاسی است؛ نیز تاحدودی نوشته شده است که تمامی نهادها و ارگان‌های ذیربط سرمایه‌داری همچون کشاورزی و دامداری، جنگل‌بانی و بحری و نیز داروسازی، در پی تولید مرض‌ها، چپاول و غارت‌گری، سوءاستفاده‌های مالی و سودبری‌اند. هم چنین گفته و نوشته شده است که سیستم و مناسبات حاکم بر جهان نه تنها قادر به حفظ و حراست از جان و مال مردم نیست، بسا که در پی تخریب بیش‌تر محیط‌زیست و نابودی زندگانی سازندگان اصلی جوامع بشری‌ست؛ سیستم و مناسباتی که میلیاردها دالر هزینه می‌کند و جان و زندگی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده و محروم را می‌گیرد تا به سرمایه‌های کمپانی‌های بزرگ، و نیز اندک محدودی از آحاد جامعه اضافه شود. متعاقباً اشاره به این مسأله بی‌فایده نیست که رودررو شدن جامعه و مردم با ویروس کرونا در جهان سرمایه‌داری، از زمره تکنومونه‌ها نیست. یعنی این که تاریخ بشر پر از مصیبت‌ها، بیماری‌ها، لشکرکشی‌ها و جنگ‌های ارتجاعی حاکمان زورگو و سرمایه‌داران علیه میلیون‌ها انسان رنج‌دیده است. طاعون، فلج اطفال، آبله، آنفلونزای اسپانیائی، ایدز، مرس، سارس (سندرم تنفسی حاد) آیبولا و صدها مرض دیگر و از جمله ویروس جنگ‌های خانمانسور که منجر به مرگ و آواره شدن میلیونی انسان‌های دردمند شده است، تأییدگر این نظر است که با بودن سیستم و مناسبات کنونی، جهان از شر مصیبت‌ها و بلایای دست‌ساز سرمایه‌داران رهایی نخواهد یافت. به این علت که

الگوهای اقتصادی حاکم بر دنیای احاطه شده، نه در خدمت به حفظ و نگهداری طبیعت، بسا که در خدمت به منافع قدرت‌مداران و کمپانی‌های بزرگ و ذینفع است. بی اساس نیست که جوامع متفاوت همواره با مارپیچی از مصائب و مشکلات متناوب رودررو است؛ مشکلات و مصائبی که به دلیل سیستم نابرابر، تولید و بازتولید می‌شود که روزانه پیدائی آن‌ها را می‌شود، در اشکال گوناگون در درون جامعه و در خانه‌های محقر مردم به عینه دید. پس فهم و درک ریشه‌ی این اتفاقات ناگوار، مبنی بر این که چیدمان وضعیت کنونی حاصل نظام‌های سرمایه‌داری حاکم بر جهان است، دشوار نیست؛ هم چنین سخت نیست تا به این قضیه پی بُرد که سرمایه‌داران به دلیل زیاده‌خواهی‌شان دنیا را زیر و رو کرده‌اند و به تمامی حوزه‌ها و بخش‌ها دست‌بُرد زده‌اند؛ جنگل‌ها را سوزانده‌اند، رودخانه‌ها و ابحار را آلوده به رسوبات و بی‌نظمی‌شان تبدیل کرده‌اند، در مسیر آب‌ها خانه‌های بدون استاندارد ساخته‌اند، و خلاصه جنگ‌های ارتجاعی و خانمان‌برانداز به راه انداخته‌اند که به جرأت می‌شود گفت، در ابعادی گسترده‌تر از ویروس کرونا، جان و هستی میلیون‌ها انسان بی‌دفاع و کودک را می‌گیرد.

این صورت کلی جهان امروزی زیر سیطره سرمایه‌داران است که این‌روزها نماد خود را در آبراه ویروس کرونا به نمایش می‌گذارد؛ ویروسی که نه حقیقتاً از سر بلایای طبیعی، کهولت سنی و یا در اثر نامنظمی و ناتوانی سیستم دفاعی بدن، بلکه به دلیل سودجویی‌ها و سستی‌های سرمایه‌داران و کمپانی‌های بزرگ داروسازی و دیگر ارگان‌های غارت‌گر وابسته به جانین بشریت، در سطح جهان ظاهر شده است.

در حایشه و ناگفته‌مانند که طبیعت و سازوکار اتفاقی بدن، گاهی مولد ویروس و دیگر مریضی‌های حاصل از عدم رعایت بهداشت و سلامت است؛ اما تفاوت شناخت و درک حاصل از طبیعت و فعل و انفعالات بدنی، با مرض‌های سازماندهی شده و تحمیلی سرمایه‌داران، دو موضوع متفاوت از هم است؛ یعنی این که تشخیص بروز نارسائی‌های فزیک - روانی، با نقشه‌نگاری و سهل‌انگاری سرمایه‌داران نسبت به اشاعه ویروس‌هایی همچون کرونا، ایدز، آیبولا و غیره مهم و ضروری است. علاوه بر همه این‌ها می‌شود به فقدان نظارت و به عدم کنترل بهداشتی از جانب بخش‌ها و ارگان‌های متفاوت وابسته به سرمایه همچون فرآورده‌های غذایی و کشاورزی، دامداری و غیره اشاره کرد که به سهم خود ناقل صدها بیماری کشنده در درون جامعه‌اند. پس اشتباه است که گمان کنیم، می‌باید در بررسی و یا در توضیح ویروس کرونا، پای اصلی قضیه، یعنی نظام‌های سرمایه‌داری و ارگان‌های غارت‌گر و وابسته به آن‌ها همچون بهداشت و مواد غذایی را کنار بگذاریم و به مانند ساده‌اندیشان و خیالبافان، آن‌ها را در حوزه بلایای طبیعی، ذات انسان‌ها، سن و سال و امثالهم توضیح دهیم؛ نادیده‌گیری و در حقیقت فرار از این موضوعات اساسی و کلیدی، به معنای نادیده‌گیری سستی‌ها و منفعت‌طلبی‌های سرمایه‌داران در حوزه‌های متفاوت است. تجارب، نتایج و ثمره باد و باران، سیل و طوفان، آتش سوزی‌های مدارس به دلیل سیستم گرمایشی غیر استاندارد و به دنباله بی‌توجهی طبقه ذینفع در حفاظت از جان و مال مردم و کودکان، گویای هرگونه قضاوت ناصحیح از واقعه رودرروی فعلی جهان کنونی است. منظور از این که ویروس کرونا را نمی‌بایست و نباید به عنوان موضوع خارج از محدوده منافع کمپانی‌های بزرگ داروسازی و خارج از دست گرفتن کنترل کامل در عرصه جنگ‌های میکروبی، سیاسی - تجاری میان رقبای امپریالیستی توضیح داد. به این علت که از مدت‌ها قبل، به شیوع کرونا در میان مردم آگاه بوده‌اند و از مدت‌ها قبل پیرامون سونامی کرونا در سطح جهان، هم‌دیگر را به پخش آن متهم کرده‌اند. اختصاص بودجه ۱ میلیاردی دلاری ترمپ و مجبور به "استعفای دانشمندان المانی در شرکت بیوتکنولوژی کوواک مستقر در تورینگن که در صدد تهیه واکسین علیه کرونا بودند، تا واکسین آن را در امریکا و "فقط برای ایالات متحده بسازند""، نشانه اطلاع و آگاهی قدرت‌مداران بزرگ در برخورد و در مقابله با ویروس‌هایی همچون ویروس کروناست؛ می‌دانستند که جهان زیر سیطره‌شان، به‌چنین روز و روزگاری

خواهد افتاد؛ قبل‌ترها، از ناکارایی سیستم کنونی حرف و حدیث‌هایی را نقل کرده‌اند و نیز می‌دانستند که با بُحرانی به‌مراتب گسترده‌تر از بُحران سال ۲۰۰۸ روبرو خواهند شد. بی‌دلیل نیست که علل آن را نه در مناسبات و در سیستم فرتوت سرمایه‌داری، بلکه در ناکارآمدی و در عدم لیاقت این دولت و یا آن دولت توضیح می‌دهند؛ به هر حال و خارج از جنگ‌و‌دعوای بی‌مایه، همه آنان نشان داده‌اند که ارزش‌گذاری به جان انسان‌ها، به‌مراتب پائین‌تر از انباشت هر چه بیشتر سرمایه‌های مملکت به جیب کمپانی‌های داروسازی است. به قول «دیوید هاروی»، کمپانی‌های داروسازی که: "علاقه بسیاری در طراحی درمان‌ها دارند. ما هرچه بیمارتر باشیم، آن‌ها درآمد بیشتری دارند".

این‌ها حقایقی‌ست که در پشتِ واقعهٔ اسفبار ویروس کرونا قرار دارد و جدا از اثرات مخرب و کُشنده در شرایط کنونی، در پساکرونا هم بر شانه‌های میلیون‌ها انسان دردمند سنگینی خواهد کرد. از یادها نرفته است که چگونه نسل و نسل‌های بعد از بمباران‌های کیمیایی، ویروس ایدز، آبله، وبا و طاعون و به ویژه ویروس جنگ‌های ارتجاعی و لشکرکشی به کشورهایی همچون افغانستان، عراق و غیره، بارِ مصیبت‌های تحمیلی و سازمان‌داده شدهٔ قدرت‌مداران بین‌المللی را با خود حمل می‌کنند.

شوربختانه این اوضاعی‌ست که در برابر جامعهٔ انسانی قرار گرفته است و پیداست که مسبب و بانی همهٔ این‌ها نظام سرمایه‌داری حاکم بر جهان است. بنابراین نمی‌توان از چنین سیستم و مناسباتی، انتظاری از آنچه را که دنیا این‌روزها با آن‌ها روبروست، داشت. به این علت که نظام حاکم بر جهان مولدِ هزاران مرضِ کُشنده در میان مردم است؛ نظامی که شایستهٔ گردش سرمایه به سمت سازندگان اصلی آن، و نیز شایستهٔ سمت‌وسو دادن جامعه به مسیر رشد و بالندگی نیست؛ نظامی که ناظر و کنترل‌کنندهٔ فرآورده‌های کشاورزی و غذایی، دارویی و پزشکی، و نیز لایروبی ابحار و حفاظت از خانه و کاشانهٔ مردم در برابر حوادث طبیعی همچون باد و باران، سیل و طوفان نیست. بالعکس به عهدهٔ نظامی است که از دل سازندگان اصلی جامعه برخاسته باشد؛ و مهم‌تر از آن از جملهٔ وظایف پایه‌ی نظامی است که از مالکیت اشتراکی پیروی نموده و خواهان خلع‌ید از دم و دستگاه‌های سودده و استثمارگر طبقهٔ منفعت‌طلب جامعه است. ثابت شده است که طبقهٔ سرمایه‌داری قابلیت، توان و در حقیقت صلاحیتِ اداره کردن جهان را ندارد. این جهان متعلق به آنان نیست. با زور و با سرکوب بر سر کار مانده‌اند و خلاصی از اوضاع کنونی و تضمین زندگی بهتر پساکرونا هم، در گرو نابودی و در گرو زیر و رو کردن سیستم و مناسبات سرمایه‌داری‌ست. چرا که حیات لحظه‌ای سرمایه‌داران، مترادف با فقر، بدبختی و بندگی کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان دولت‌های امپریالیستی‌ست. در نتیجه میلیون‌ها انسان دردمند مستحق وضعیتِ اسفبار دست‌ساز سرمایه‌داران نیستند. به این علت که مغز سرمایه‌داران مریض و جیب‌هایشان بی‌انتهاست. انباشت بیش از پیش سرمایه به رفقار و کردار روزانه‌شان تبدیل شده است و در عوض جیب مردم خالی از تهیهٔ مایحتاج اولیهٔ زندگی است. همهٔ جای دنیا شباهت به هم دارد و بی‌تردید جامعه و زندگی مردم ایران هم به مانند دیگر جوامع و توده‌ها، در شرایط دهشتناکی قرار گرفته است. جدا از صدها ویروس کُشنده که به مدت چهار دهه زندگی را به‌کام مردم تلخ کرده است، مازاد بر آن‌ها چند وقتی‌ست که ویروس کرونا را به جان مردم انداخته‌اند و بر معضلات و بر مشکلات میلیون‌ها کارگر، زحمت‌کش و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی افزوده‌اند تا چند صباحی بیشتر به زندگی انگل‌وارشان ادامه دهند؛ برآستی همه‌شان و از جمله سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به خیروبرکت دم و دستگاه‌های چپاول و سرکوب، در مسند قدرت‌اند و بدون کمترین شبهه‌ای، پایان چنین وضعیت تلخی وابسته به زیر و رو کردن سیستم و مناسبات حاکم بر جهان سرمایه‌داری، و همچنین وابسته به نابودی سردمداران جنایت‌کار رژیم جمهوری اسلامی است. بدین ترتیب زمانی جامعه و مردم از دستِ مصائب و دیگر نارسائی‌های پساکرونا و تبعات آن خلاصی خواهند یافت که نظام‌های سرمایه‌داری، در اثر قدرت تودمی بزیر کشیده شوند و نظام

مبتنی بر به رسمیت شناختن حقوق انسان‌ها، و نیز نظام مبتنی بر تأمین و تضمین منافع کارگران و زحمت‌کشان جایگزین گردد؛ نظامی که حافظ و پشتیبان جان انسان‌ها و محیط‌زیست است.

۳۱ مارچ ۲۰۲۰

۱۲ فروردین [حمل] ۱۳۹۹